

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

اول جولای 2008

## گُرگانِ پَلَنگی

آواره ام از ملکِ غریبان ، گله دارم  
بیچاره ام از گردشِ دوران ، گله دارم  
دور از وطن و ، هموطن و یار و رفیقان  
از فرقت و از دوری و ، هجران ، گله دارم  
افسرده و ، بیچاره و ، دلخسته و بیمار  
از داکتر و ، دارو و ، ز درمان ، گله دارم  
آواره وطندار شد از دستِ وطندار  
از راست و چپ و بالا و پایان ، گله دارم  
در بینِ دوسنگ آرد شده ، **ملتِ افغان**  
از سردیِ سوزانِ زمستان ، گله دارم  
ظلم و ستم ، از شش جهت می رسد هرآن  
**افغانم** از همسایه افغان ، گله دارم  
**نامردی و بیداد و جفا ، تهمت و بُهتان**  
از دولتِ اسلامی ، ایران ، گله دارم  
از **ملتِ دالخور و ، جفا کیش و دغلباز**  
وز کشورِ بد جنسِ پَکستان ، گله دارم  
از زاده **پنجابیِ ناجایز و مُردار**  
وز طالبِ پشمینه و شیطان ، گله دارم  
هم از عربِ وحشیِ موشخورِ کثافت  
از **آبِ تروریستِ بد ایمان** ، گله دارم  
اطفالِ دو سه ساله بیچاره افغان  
**لت خورده و افتاده** به زندان ، گله دارم  
دور از پدر و مادر و ، برگشتی به میهن  
خفتن به یتیم خانه و **گریان** ، گله دارم

گر مرکز اسلام ، چنین است ، خدایا  
 زین مذهب و زین دین و مسلمان ، گله دارم  
 القاعده هر روز کند ، فلم نو آغاز  
 از فلم و ، هنر پیشه و ، داستان ، گله دارم  
 بدماشی (گلبدین) و ، دلالی (سیاف)  
 (ربانی) و از (احمد گیلان) ، گله دارم  
 (ملا عمر) و (طالب) و از (طالبه) هایش  
 سوداگر و از تاجر انسان ، گله دارم  
 از هریک اجیر عرب و چاکر انگلیس  
 از نوکر و ، بادار فراوان ، گله دارم  
 الحق ، چه بجا گفت ، که شورا چو طویله  
 گردیده و ، از جنگ و کیلان ، گله دارم  
 در رول شبان ، این همه گرگان پلنگی  
 از کرگس و زاغ و زغن هرآن ، گله دارم  
 زین لاشه خورانیکه ، پی شهرت و نامند  
 در ریش خدا گشته دلنگان ، گله دارم  
 زیرا شده قانون شکنی ، حافظ قانون  
 از بد قلیغ بی سر و سامان ، گله دارم  
 نازم به کلنگ کدن (حضرت کرزی)  
 زین غیرت افغانی جانان ، گله دارم  
 شاید کمی خو رفته ، نمی دانه چی میگه  
 پُر خورده و از ، گفتن هذیان ، گله دارم  
 با موتر کادیل ، (محقق) به نمایش  
 از ضدیت مرمی و هاوان ، گله دارم  
 این ماهیچه خوری که ، جنایتگر جنگی  
 بر میز غذایش ، همه حیران ، گله دارم  
 بس ماهیچه و ، مرغ پلو و ، قورمه و ، سبزی  
 از زهر و زقوم کردن ایشان ، گله دارم  
 از (میر غضب) جانی و زانی و ، فراری  
 از (حکمت) و از (پار) خبیثان ، گله دارم  
 از (تنگر) و از (چاکر) و از (جوکر) و (نوکر)  
 روز دگر از ، ماده رندان ، گله دارم  
 از ناخلفی بی سرو پا ، عالم دینی  
 ناطق شده در (TV) یاران ، گله دارم  
 از آنکه دفاع کرد ، ز ویرانگر (کابل)  
 گر کشته شوم ، باز ، به قرآن ، گله دارم  
 «نعمت» ز قلنج و ز خلج ، ریزش و سردرد  
 از شهر (اسن) ، کشور (المان) ، گله دارم